

آموزش کتابدار مرجع:

یک دوره مقدماتی

نوشته لوئیز شربی^۱

ترجمه شیفته سلطانی^۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده: در دانشکده‌های کتابداری، درس مرجع‌مقدماتی باید محتوایی فراتر از معرفی کتابهای مرجع خاص داشته باشد. از فارغ‌التحصیلان انتظار می‌رود در حل پرسشهای مرجع، نسبت به تنوع ساختار کتابخانه از خود انعطاف و خلاقیت نشان دهند. چرا که در مجموعه بسیاری از کتابخانه‌ها، از کتابهایی که آنها در کلاس حفظ کرده‌اند، اثری نیست. فارغ‌التحصیلان کتابداری همچنین باید در ارزیابی و انتخاب ابزار مرجع، کارکنان و خدمات مرجع مهارت داشته باشند. ضمن آنکه از دانش سازماندهی و مدیریت واحد مرجع و چگونگی ارتباط آن با سایر واحدها و نیز از توان به‌کارگیری استراتژیها و تکنیکهای روزمره مرجع بهره‌مند باشند. در این مقاله یک برنامه درسی نمونه که بتواند چنین نیازهایی را تأمین کند، پیشنهاد می‌شود.

تربیت کتابدار مرجع، به عنوان بخشی از فعالیتهای کتابداری، از زمان ایجاد اولین پست کتابدار مرجع تمام وقت در کتابخانه عمومی بوستون^۱ در سال ۱۸۸۳ مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که هنوز تعریف روشنی از خدمات

1. Louise S. Sherby. "Educating Reference Librarian: A Basic Course". *The Reference Librarian* (1990) no. 30: 35-44.

۲. معاون کتابخانه و مرکز اسناد سازمان برنامه و بودجه

3. Boston Public Library

مرجع توسط استادان و دست‌اندرکاران داده نشده است، عجیب نیست که بحث و جدل در این زمینه، همچنان ادامه یابد و هنوز معلوم نباشد چگونه باید متخصصانی تربیت کرد که بتوانند وظیفه ارائه خدمات مرجع را برعهده گیرند. اگر مجموعهای از آگهیهای استخدام کتابدار مرجع را بررسی کنیم این مشکل بیشتر نمایان می‌شود. شرایط و مهارتهایی که معمولاً در این آگهیها خواسته می‌شود، از این قبیل است: «پرچنب و جوش»، «خلاق»، «مردمدار»، «مهارت در ایجاد ارتباطات شفاهی و کتبی»، «قدرت یاددهی (یا تفهیم کتابشناختی)»، «خدمات عمومی مرجع»، «مهارت در استفاده از سیستمهای پیوسته کامپیوتری»، «توانایی رهبری»، «البته تجربه و سابقه کار». به راستی چگونه می‌توان همه این مهارتها و تواناییها را (یا حداقل تعدادی از آنها را) در یک دوره که معمولاً سه واحدی است، کسب کرد؟ آیا واقعاً امکانپذیر است؟ به نظر می‌رسد میان آنچه در مدارس کتابداری آموزش داده می‌شود با آنچه کارفرما از فارغ‌التحصیلان انتظار دارد، تعارض وجود دارد. در اینجا می‌خواهم بر اساس تجربیاتم، به عنوان یک شاگرد رشته کتابداری، کسی که سالهای متمادی در این راه دست و پنجه نرم کرده است و سرانجام در مقام یک سرپرست بخش مرجع و یک استادیار درس مرجع مقدماتی، این مسئله کهنه را بررسی کنم.

پژوهشهای پیشین نشان می‌دهد که همواره چند روش برای تدریس مرجع مرسوم بوده است. این روشها شامل آموزش منابع مشخص، انواع منابع مرجع از نظر شکل، استفاده از نمونههای پژوهشی^۱ و طرح تعدادی مسئله یا پرسشهای مرجع است. هریک از این روشها موافقان و مخالفان خود را دارد. جنبه دیگر مسئله، نسبت ارائه «مباحث تئوری» و «کارهای عملی» است. در عصری که پیچیدگی منابع اطلاعاتی و تکیه بر تکنولوژی فزونی یافته است، هیچیک از این روشها واجد کارایی لازم برای تقویت و شکوفایی کار مرجع

نیست. واقعاً چگونه باید این برداشتها و روشهای گوناگون را ترکیب نمود و چگونه باید شاگردان را با توشهای از آموزشهای تجربی و کاربردی، مهیای پذیرش اولین شغل حرفهای شان کرد، به این امید که بتوانند کارشان را با کمی اعتماد به نفس آغاز نمایند؟

هنگام تعیین شرح وظایف، کارفرما ضمن آنکه می‌کوشد جزئیات وظایف کتابدار مرجع را به دقت منعکس کند، مشوق انعطاف‌پذیری نیز هست و به کسی که یکی از مشاغل مرجع را به عهده می‌گیرد، اجازه می‌دهد گهگاه خصوصیات فردی خویش را نیز به کار گیرد. بله، کارفرما مایل است کتابدار مرجعی استخدام کند که دارای جمیع صفاتی باشد که در بالا به آن اشاره شد، ولی آیا این توقع دست‌یافتنی است؟ علاوه بر این، بسیاری از ویژگیهای مورد نظر کارفرمایان به قدری غیرملموس و انتزاعی است که بعید است بتوان با مطالعه خلاصه سوابق یا طی یک گفتگوی کوتاه به وجود یا فقدان آنها پی برد. به هر حال در آگهیهای استخدامی، به استثنای وظایف روزمرهٔ میز امانت، اکثراً شرایطی قید می‌شود که ارتباطی با آموخته‌های مرسوم در کلاس مرجع ندارد. چگونه می‌توان این همه نیازهای مغایر را با یکدیگر سازگار ساخت؟

هنگام طراحی برنامه درس مرجع، لازم است ابتدا منابع و تمرینهایی را که شاگردان باید در طول دوره یاد بگیرند مشخص کرد. همچنین در این برنامه مفاهیمی باید گنجانده شود که از یک کتابدار مرجع تازه کار انتظار می‌رود در نخستین روزهای کار حداقل با آنها آشنایی مختصری داشته باشد. به عبارت دیگر باید ویژگیهای مهم یک کتابدار مرجع را معین و مشخص کرد.

شرایط احراز کار مرجع

مهمترین ویژگی کتابدار مرجع، داشتن آگاهی عمیق از انواع شکل‌های منابع مرجع است و اینکه با مراجعه به کدام نوع چه پرسشهایی را بهتر

می‌توان پاسخ گفت. به عنوان یک دست اندرکار، من مخالف آموزش عنوانهای خاص منابع مرجع هستم. این روش معمولاً حافظه زیادی برای از حفظ کردن می‌طلبد. جزئیاتی که غالباً تغییر خواهد کرد و مطمئناً شرایطی پیش می‌آورد که دانشجو را در راه به خاطر آوردن دقیق جزئیات هر منبع گیج و مایوس می‌کند. علاوه بر این او را درگیر به یاد سپردن مطالبی می‌کند که به آسانی می‌توان با مراجعه به راهنماهای کتب مرجع چون *Sheehy's Guide to Reference Books* و نظایر آن پیدا کرد. برای دانشجو بیشتر درک این مطلب اهمیت دارد که به فرق میان سالنامه و دستنامه و کتابشناسی پی برد تا اینکه بداند مثلاً چند عنوان مجله در کتاب *Reader's Guide to Periodicals* وجود دارد، آن هم عددی که مرتباً تغییر می‌کند.

من می‌خواهم شاگردانم بفهمند یک کتابدار مرجع در عمل با چه مسایلی روبروست. این مطلب در هریک از انواع کتابخانه، شاید به استثنای کتابخانه‌های بسیار تخصصی، شامل مسئولیتهای بسیاری، فراتر از صرفاً پاسخ دادن به سوالات مرجع و نشستن پشت میز مرجع است. بنابراین، در کلاسهای درس باید حداقل به اختصار، به مسایلی چون ارزشیابی و انتخاب منابع مرجع، فعالیت امانت بین کتابخانه‌ها، آموزش مراجعان، جستجوی اطلاعات به وسیله سیستمهای پیوسته کامپیوتری^۵، استخدام، آموزش و ارزیابی کارمندان، سازماندهی و مدیریت بخش مرجع و ارزشیابی و سنجش خدمات مرجع پرداخته شود.

سایر مهارتهای مورد نیاز کتابدار مرجع عبارتست از: قدرت تفکر، تجزیه و تحلیل و ایجاد ارتباط شفاهی و کتبی با افراد. آموزش اینگونه مهارتها از هر کاری مشکلتر است، در حالیکه متأسفانه فارغ‌التحصیلانی که تجربه و سابقه کار هم دارند، فاقد این ویژگیها هستند. من در کلاسهایم همیشه مقدار معتابهای تمرینهای نوشتنی به شاگردانم می‌دهم و در کمال تأسف متوجه شده‌ام

که آنها چقدر غلط می‌نویسند. هم از نظر انشاء و هم از نظر املاء. در یکی از کلاسهایم، دانشجویان سؤال کردند آیا غلطهای املایی و دستوری آنها در نمرهٔ امتحان نهایی تأثیر دارد؟ گفتن ندارد که قاطعانه جواب مثبت دادم!

اشکالهای موجود در دوره‌های مرجع

اشکال اساسی در آموزش درس مرجع این است که در بسیاری از مدارس کتابداری تنها یک دوره کلاس مرجع برگزار می‌شود. بنابراین، در یک درس سه واحدی (سه ساعته) برای پوشش تمام مطالب لازم، حتی اگر بسیار مختصر و سرهم‌بندی شده هم تدریس شود وقت کافی وجود ندارد. بسیاری از مدارس کتابداری درس «فهرست‌نویسی مقدماتی» و «فهرست‌نویسی پیشرفته» را در دو دوره برگزار می‌کنند. معلوم نیست چرا همین روال در مورد درس مرجع اجرا نمی‌شود؟ آیا دلیلش کم اهمیت بودن کار مرجع است یا اینکه مهارت کمتری می‌طلبد؟ مدارس کتابداری باید برای درس مرجع هم دو دورهٔ مقدماتی و پیشرفته ارائه دهند و به صورت واحدهای اجباری، دانشجویان موظف به گذراندن آنها باشند. علاوه بر این، دانشجویانی که می‌خواهند در آینده کار مرجع را پیشه کنند باید دوره‌های «مراجع اختصاصی» را هم بگذرانند. تفسیر پرسشهای مرجع به پرسشهایی که بتوان با استفاده از منابع موجود در یک کتابخانه به آنها پاسخ گفت، به دانشی وسیع و عمیق نیازمند است.

مسئله مهم دیگر این است که در بسیاری از دوره‌های مرجع، مباحث مطرح شده در کلاس فقط در کتابخانه‌های بزرگ تحقیقاتی و دانشگاهی کاربرد دارد و به نیاز کتابخانه‌های متوسط و کوچک که اکثر فارغ‌التحصیلان در آنها استخدام می‌شوند، توجهی نمی‌شود. درست است که دانشجویان باید اطلاعات وسیعی در همهٔ زمینه‌های پایهای به دست آورند، ولی آشنا ساختن آنان با انواع منابع موجود در کتابخانه‌هایی که بعداً در آنها به کار خواهند پرداخت نیز اهمیت زیادی دارد. بیشتر باید بر انعطاف‌پذیری و خلاقیت در

حل سؤالهای مرجع تأکید شود.

سومین مسئله در آموزش کتابداران مرجع این است که بیشتر استادان شخصاً در بخش مرجع کار نکرده‌اند و یا سالها پیش کار می‌کردند. ضروری است استادان از وجود منابع جاری و جدید، تکنولوژیهای نو و از روند و مسایل تازه مربوط به کتابداران مرجع شاغل، آگاهی کافی و روزآمد داشته باشند.

Daugherty معتقد است مدرسان معمولاً از انتشارات جدید درس خود آگاهی دارند ولی از رویدادهای واقعی کتابخانه‌ها بی‌اطلاعند. اگر استادان واقعاً بخواهند در دانشجویان و کارفرمایان آینده آنان اعتماد ایجاد کنند، کسب آگاهی از آنچه در کتابخانه‌ها رخ می‌دهد، هرچند که به آسانی میسر نیست، بسیار ضروری است.

شرط لازم دیگر، تشکیل دوره‌های عملی یا کارورزی برای همه دانشجویان است. تقریباً در تمام مدارس حرفه‌ای طی دوره‌های عملی و تجربی زیرنظر متخصصان اجباری است. طول این برنامه‌ها از چند هفته تا چند سال متغیر است و در رشته‌هایی چون: حقوق، دندانپزشکی، پزشکی و پرستاری گذراندن این دوره اجباری است. چنین دوره‌هایی برای دانشجویان حکم یک تجربه «عملی» فوق‌العاده ارزشمند را دارد. مهم این است که دانشجویان خود از نزدیک با محیط واقعی کتابخانه‌ها آشنا شوند و مسایل آن را لمس کنند. تا آنجا که ممکن است باید دانشجویان را در بخشهایی به کارورزی گمارد که مایلند پس از فارغ‌التحصیلی در آن بخشها کار کنند. مثلاً: فهرست‌نویسی، مرجع، رسانه‌ها و غیره و همچنین انواع کتابخانه‌های مورد علاقه‌شان نیز در نظر گرفته شود، مثلاً: دانشگاهی، آموزشگاهی، عمومی و غیره. واقعیت این است که انجام این مهم چندان آسان نیست و تلاش فراوانی می‌طلبد، هم از سوی دانشجویان و استادان و هم از سوی استادان راهنمای کارورزی، لیکن به طور کلی از نظر پیشرفت حرفه کتابداری بسیار ارزشمند است.

نمونه یک دورهٔ مرجع تجربی

چنانچه قبلاً اشاره شد، من موافق روش تدریس شکلی منابع مرجع هستم. به نظر می‌رسد این روش، در تربیت کتابداران مرجع آینده، در هریک از انواع کتابخانه‌ها، کارآیی بیشتری دارد. در سخنرانیهای کلاس، عموماً بر معرفی شکلهای منابع مرجع و ذکر چند عنوان نمونه تکیه می‌شود. برای شناخت بهتر گونه‌های منابع مرجع، از یک سلسله تمرین کمک گرفته می‌شود. در هر دوره معمولاً هشت تمرین که هر کدام شامل ده پرسش است، طرح می‌کنم. منظور از این تمرینها، پیدا کردن مشخصات منابعی است که در بسیاری از کتابخانه‌ها وجود دارد و قبلاً در کلاس معرفی شده است. ضمناً در همین تمرینها، پرسشهایی را می‌گنجانم که قبلاً، در حین کار از خودم یا همکارانم سؤال شده است. از این طریق تلاش می‌کنم تا تمرینها حداقل انعکاسی از «واقعیت» را به دانشجویان نشان دهند. من اعتقادی به طرح پرسشهای دور از ذهن و مشکل ندارم چرا که فقط باعث دلسردی دانشجویان از تلاشهایشان می‌شود. طرح چنین پرسشهایی کمکی به انعکاس واقعتهای عینی کتابخانه نمی‌کند و در حال دانشجویان پس از آنکه پاسخ سوالی را در منابع بدیهی و معلوم پیدا نکنند، با یکدیگر یا با کتابدار مرجع کتابخانه مشورت خواهند کرد و پاسخ را خواهند یافت. اگر بخواهیم دانشجویان منفرد و مستقل تمرین کنند، بهتر است آنها را بدنبال «یافتن گنج» نفرستیم چون تنها باعث عصبانیت و خنثی کردن نظر مثبت آنان نسبت به یادگیری درس مرجع می‌شود، یعنی درست چیزی که باید برای ایجاد آن تلاش شود. از دانشجویان خواسته می‌شود در تمرینهای خود استراتژی جستجوی پاسخها را هم ذکر کنند. در تمرینهای عملی، استراتژی جستجو اگر مهمتر از پاسخ نباشد، همان اندازه اهمیت دارد و هنگام بررسی پاسخها در کلاس، به استراتژی جستجوی منطقی و پاسخ درست توجه یکسان می‌شود. به دلیل کمبود وقت در

یک جلسه سه ساعته، از دانشجویان خواسته می‌شود علاوه بر مطالب مطروحه در کلاس، در مورد هریک از انواع منابع مرجع، خارج از کلاس نیز مطالبی بخوانند.

نیمی از وقت هر جلسه به معرفی انواع منابع و عنوانهای خاص مرجع اختصاص داده می‌شود و در نیمه دیگر روال کار مرجع و تکنیکهای آن مورد بحث قرار می‌گیرد. سرفصلهایی که در این بخش از کلاس مطرح می‌شود، عبارتند از: خدمات مرجع، استراتژی جستجو، ارتباطات، گفتگو با مراجعان، ارزیابی منابع مرجع، استفاده از کامپیوتر در مرجع (شامل: جستجو در پایگاههای اطلاعاتی، فهرستهای پیوسته کامپیوتری، ابزار کتابشناختی، دیسکهای فشرده (CD-ROM) و غیره)، سایر مسئولیتهای بخش مرجع، مدیریت و سرپرستی کارکنان و نظایر آن. دانشجویان علاوه بر ارائه سخنرانی و شرکت در بحثهای کلاسی، موظفند مطالب متنوعی در جهت تکمیل فعالیتهای کلاسی بخوانند.

دلیل دادن این همه تکلیفهای خواندنی، آشنا ساختن دانشجویان با عقاید و دیدگاههای سایر متخصصان، غیر از استادشان، است. در این ضمن آنها با مجله‌های مهم و نویسندگانی که در زمینه کتابداری مرجع می‌نویسند، آشنا می‌شوند. بحثهای گروهی نیز موجب زنده شدن کلاس می‌شود.

فواید تکالیف نوشتنی

در هر دوره، غالباً دو تکلیف نوشتنی به دانشجویان می‌دهم که درجه موفقیت آن از کلاس به کلاس متغیر بوده است. اولین تکلیف، تهیه یک «رهیافت نو»^۱ در مورد یک موضوع دقیق و محدود است. اعتقاد من بر این است که توانایی پاسخگویی به پرسشهای مرجع، عمیقاً تحت تأثیر میزان توانایی کتابدار در دستیابی سریع به یک استراتژی جستجوی مناسب خواهد

بود و تکلیف فوق به تقویت مهارت استراتژی جستجو کمک می‌کند. علاوه بر این دانشجویان را به بررسی دقیق گروه خاصی از منابع مرجع و ارزیابی آنها وادار می‌سازد و در انتها تصمیم می‌گیرد کدامیک را در گزارش خود بگنجانند. از آنجا که قبلاً معیارهای انتخاب به دقت و روشنی مشخص شده است، دانشجویان باید قدرت تجزیه و تحلیل و تفکر خود را به کار اندازند تا بتوانند به نتیجه نهایی و صحیح دست یابند. اگر دانشجویان تکلیف را خوب انجام دهد گزارش کتبی او خود به عنوان اثری نمونه در آموزش کتابشناختی، پشتوانه مصاحبه استخدامی او برای احراز پست کتابدار مرجع خواهد بود.

تکلیف نوشتنی دیگر، پروژه عملی دوره است که برای انجام آن دانشجویان باید از تمام آموخته‌های خود در طول دوره استفاده کنند. جزئیات این تکلیف در هر کلاس متغیر است ولی اهداف کلی آن یکسان است. از دانشجویان خواسته می‌شود یک مجموعه مرجع بنیادین برای یک جامعه معین، در یک نوع کتابخانه مشخص (مثلاً یک کتابخانه دبیرستان ناحیه‌ای در یک منطقه روستایی که کشاورزی مهمترین صنعت آن محسوب می‌شود) انتخاب کنند. دانشجویان می‌توانند از میان سه سناریو یکی را به میل خود انتخاب کنند. این سناریوها معمولاً شامل یک کتابخانه عمومی، یک کتابخانه دانشگاهی و یک کتابخانه آموزشگاهی است. فرضیاتی را هم خودم تعیین می‌کنم (مثل اینکه قیمت کتابها عامل تعیین کننده نیست یا همه منابع در بازار موجود است). دانشجویان مجازند به سناریوها و فرضیه‌ها چیزی اضافه کنند ولی نمی‌توانند آنها را تغییر دهند. مجموعه بنیادین حداکثر شامل ۷۵ عنوان خواهد بود که در مورد هر عنوان باید دلیل کافی برای انتخاب، با توجه به نوع کتابخانه و جامعه استفاده کننده، ارائه شود. امید می‌رود انجام این پروژه، دانشجویان را متوجه اهمیت جامعه استفاده کننده و نقشی که در ایجاد و گسترش مجموعه مرجع دارند، بنماید و آنان را با اصول و انتخاب و ارزشیابی منابع مرجع آشنا سازد. از آنجا که در این تکلیف، دانشجویان بنا به سلیقه خود یکی از انواع کتابخانه را

انتخاب می‌کند، ممکن است این انتخاب همان انتخاب آینده او هنگام کاریابی باشد و حین انجام تکلیف، با برخی از ابزارهای تخصصی انتخاب کتاب که متناسب با همان نوع کتابخانه است، آشنا شود.

رئوس یک برنامه درسی نمونه برای درس مرجع مقدماتی

دیدگاه‌های من نسبت به مسئله آموزش کتابداری، متأثر از تجربیاتی است که ضمن انجام کارهای مختلف به دست آوردم. بر اساس همین تجربیات یک نمونه برنامه درسی برای کلاس مرجع مقدماتی پیشنهاد می‌شود. این برنامه فقط برای یک کلاس است که در آن مختصری از همه موضوعات در چهارده جلسه (هر هفته یک جلسه) گفته می‌شود. من متوجه شدم هرگز وقت کافی برای پوشش همه مطالب به طور کامل وجود ندارد، به ویژه هنگامی که از دانشجویان انتظار شرکت در بحثهای گروهی هم داشته باشم. بنابراین اگر ۱۵ یا ۱۶ هفته در هر ترم داشته باشیم به آسانی می‌توان رئوس برنامه را متعادل کرد.

اهداف و مقاصد دوره باید به روشنی شکافته شود و دست یافتنی باشد. دانشجویان از همان روز اول باید به وضوح بدانند که استادشان چه توقعاتی از آنان دارد. اهداف و مقاصد دوره باید به نحوی قابل سنجش باشد که هم دانشجویان و هم استاد بتوانند درجه موفقیت دوره را بسنجند.

هفته اول:

۱- مسایل سازمانی / توقعات کلاس

۲- مقدماتی بر خدمات مرجع

هفته دوم

۱- مجموعه سازی

۲- دایرةالمعارفها: بزرگسالان، کودکان، خارجی، موضوعی

هفته سوم:

- ۱- مجموعه سازی (ادامه)
 - ۲- واژه نامهها
- جمع آوری اولین تمرین پرسشهای مرجع

هفته چهارم:

- ۱- خدمات مرجع
 - ۲- سالنامهها
- جمع آوری دومین تمرین پرسشهای مرجع

هفته پنجم:

- ۱- خدمات مرجع (ادامه)
 - ۲- منابع اطلاعاتی جاری و راهنماها
- جمع آوری سومین تمرین پرسشهای مرجع

هفته ششم:

- ۱- گفتگو با مراجعان و استراتژی جستجو
 - ۲- دستنامهها
- جمع آوری چهارمین تمرین پرسشهای مرجع

هفته هفتم:

- ۱- گفتگو با مراجعان و استراتژی جستجو (ادامه)
 - ۲- کتابشناسیها
- جمع آوری پنجمین تمرین پرسشهای مرجع

هفته هشتم:

- ۱- خدمات مرجع با استفاده از کامپیوتر
- ۲- کتابشناسیها (ادامه)

هفته نهم:

- ۱- خدمات مرجع با استفاده از کامپیوتر (ادامه)
 - ۲- نمایانمها و خدمات چکیده نویسی
- جمع آوری ششمین تمرین پرسشهای مرجع

هفته دهم:

- ۱- آموزش مراجعان
 - ۲- نمایانمها و خدمات چکیده نویسی (ادامه)
- جمع آوری گزارش رهیافت نو

هفته یازدهم:

- ۱- مدیریت و سازمان
 - ۲- سرگذشتنامهها
- جمع آوری هفتمین تمرین پرسشهای مرجع

هفته دوازدهم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱- نیازمندیهای کارمندان
 - ۲- منابع جغرافیایی
- جمع آوری پروژه عملی ترم

هفته سیزدهم:

- ۱- ارزشیابی خدمات مرجع
 - ۲- انتشارات دولتی
- جمع آوری هشتمین تمرین پرسشهای مرجع

هفته چهاردهم:

امتحان نهایی

تکالیف و معیارهای ارزشیابی: در باره اینها هم باید به روشنی توضیح داده شود. من همیشه در باره نحوه انجام تکالیف کلاس که شامل گزارش رهیافت نو، پروژه دوره و پرسشهای مرجع است توضیح می‌دهم و از ابتدا، درصد نمره‌های تکالیف کلاسی را که در تعیین نمره نهایی محاسبه خواهد شد، اعلام می‌کنم تا بعداً مشکلی پیش نیاید. نمره نهایی هر دانشجو، معدلی است از نمره مشارکت در بحثهای گروهی، پرسشهای مرجع، گزارش رهیافت نو، پروژه دوره و امتحان نهایی.

نتیجه

درست است که در این دوره کار زیادی از دانشجویان کشیده می‌شود و گله و شکوه آنها را هم بدنبال دارد ولی این دوره بخشی از برنامه آموزشی دانشگاهی است و مسلماً نسبت به سایر رشته‌های دانشگاهی شرایط بهتری دارد. اغلب به دانشجویان خود گوشزد می‌کنم اگر بخواهند کتابدار مرجع مؤثری بشوند باید اطلاعات وسیعی کسب کنند و در دوران تحصیل و اشتغال سخت کار کنند. از آنجا که به شدت طرفدار روش تدریسی هستم که به مسایلی فراتر از معرفی کتابها پردازد، پیوسته باید در جستجوی راههایی باشم که بتوانم جنبه‌های دیگر مرجع را در دورهای که در اصل فقط برای شناساندن منابع طراحی شده است، پوشش دهم. برگزاری چنین دوره‌هایی کار بسیار سنگینی است ولی من به عنوان یک استخدام کننده، ترجیح می‌دهم فردی را به عنوان کتابدار مرجع انتخاب کنم که قادر باشد بهنگام مصاحبه از اهمیت جامعه استفاده کننده در ایجاد و گسترش مجموعه مرجع کتابخانه، یا نیاز به آموزش مراجعان صحبت کند تا اینکه بداند در فلان کتاب چند مدخل وجود دارد.